

## درس هفدهم : خنده تو

پابلو نرودا: ۱۹۷۳-۱۹۰۴

شاعر شیلیایی

برنده جایزه نوبل ادبی

از کتاب: هوارا از من بگیر اما خنده ات

نان را از من بگیر، اگر می خواهی، هوا را از من بگیر، اما خنده ات را نه.

**قلمرو زبانی:** این بند، دارای یک جمله مرکب = نان را از من بگیر (جمله پایه یا هسته) اگر می خواهی (جمله پیرو یا وابسته) و : خنده ات را نه ( حذف فعل به قرینه لفظی) / نان، هوا، خنده = مفعول

**قلمرو ادبی:** نان = نماد رزق و روزی / هوا = نماد آزادی، اغراق / خنده = نماد از شادمانی / نان و هوا = مجاز از نیازهای مادی

**قلمرو فکری:** برتری شادمانی بر سایر پدیده های زندگی

گل سرخ را از من بگیر سوسنی را که می کاری .....

**قلمرو زبانی:** گل سرخ = ترکیب وصفی (مفعول) / سوسن = نام گلی (مفعول)

**قلمرو ادبی:** گل سرخ = نماد واستعاره از عشق / سوسن = استعاره از لبخند / تناسب = گل سرخ، سوسن

**قلمرو فکری:** زندگی را از من بگیر اما عشق و محبت را از من دریغ نکن ( زندگی بی عشق بی معناست)

مجاز - کنایه

**قلمرو زبانی:** سخت = دشوار / نبردی سخت = ترکیب وصفی / باز می گردم = فعل پیشوندی / بی هیچ

دگرگونی = قید / هیچ دگرگونی = ترکیب وصفی / چشمانی خسته = ترکیب وصفی / حذف «باز می گردم»

از آخر جمله به قرینه لفظی.

**قلمرو ادبی:** چشم = مجاز از وجود / با چشمانی خسته = کنایه از رنج کشیده، استعاره و تشخیص / دنیا را

دیده است = کنایه از با تجربه بودن / چشم دیدن = تناسب

**قلمرو فکری:** بی نتیجه بودن نبرد انسان با دنیای بدون تغییر و دگرگونی

اماکنده ات که رهامیشود و پروازکنان درآسمان مرامی جویدتمامی درهای زندگی را به رویم میگذشاید.

**قلمرو زبانی:** رها = (ره) بن مضارع از رھیدن) + ا = رها = صفت فاعلی ، مسند / پرواز کنان = قید / درهای زندگی = ترکیب اضافی / در و گشودن = تناسب

**قلمرو ادبی:** خنده ات رها شود = استعاره / خنده ات پرواز کنان = استعاره / خنده ات می جوید = استعاره و تشخیص / درهای زندگی = استعاره ( اضافه استعاری) در گشودن = کنایه از پذیرا شدن

**قلمرو فکری:** اماوقتی تو بامحبت به من لبخند می زنی، لبخند زیبای تو مرا به زندگی امیدوار می کند) زندگی بخش بودن شادمانی)

عشق من، خنده تو در تاریک ترین لحظه هامی شکفت و اگر دیدی ، به ناگاه خون من بر سنگ فرش خیابان جاری ست بخند؛ زیرا خنده تو برای دستان من شمشیری است آخته .

**قلمرو زبانی:** عشق من = منادا / تاریک ترین لحظه ها = ترکیب وصفی / آخته = بیرون کشیده، برکشیده **قلمرو ادبی:** خنده تو می شکفت (شکفتن خنده) = استعاره / تاریک ترین لحظه ها = نماد فضای یأس و نومیدی ( شرایط نامطلوب زندگی) / جاری بودن خون = کنایه از زخمی شدن یا جان سپردن / شمشیر = نماد مبارزه / خنده تو شمشیری آخته = تشبیه / خندیدن به جاری شدن خون = پارادوکس

**قلمرو فکری:** خنده و شادمانی موجب از بین رفتن غم ها و ناراحتی هاست

خنده تو، در پاییز در کناره دریا موج کف آلوده اش را باید برفراز

**قلمرو زبانی:** برفراختن = بلند کردن ، بن مضارع = برفراز (برفراز) / موج کف آلوده اش = موج کف آلوده = ترکیب وصفی / موج اش = ترکیب اضافی.

**قلمرو ادبی:** پاییز = نماد ناامیدی، / دریا = نماد شکوه و بزرگی / موج کف آلوده = استعاره از لبخند / خنده تو = استعاره و تشخیص / کناره، دریا، موج، کف = مراعات نظیر / دریا = در فرهنگ عمومی جهان = نماد خشم و تلاطم است. ( در ادبیات عرفانی ما ، دریا ، نماد اتحاد و وحدت است)

**قلمرو فکری:** خنده و شادمانی موجب از بین رفتن یأس و ناامیدی است.

و در بهاران، عشق من، خنده ات را می خواهم چون گلی که در انتظارش بودم، گل آبی، گل سرخ  
کشورم که مرا می خواند.

**قلمرو زبانی:** «ان» در «بهاران» = مفهوم زمان / عشق من = منادا / می خواند = صدا می زند

گل آبی = ترکیب وصفی / گل سرخ = ترکیب وصفی

**قلمرو ادبی:** خنده چون گل = تشبیه / گل آبی، گل سرخ کشورم = نماد هویت ملی شیلی (توجه به رنگ

آبی و سرخ پرچم شیلی) / گل آبی، گل سرخ کشورم که مرا می خواند = استعاره، تشخیص

**قلمرو فکری:** خواهان نشاط و زیبایی برای کشور (شیلی)

بخند بر شب بر روز، بر ماه، بخند بر پیچاپیچ خیابان های جزیره،

**قلمرو زبانی:** پیچاپیچ = راه پیچ در پیچ / پیچاپیچ خیابان های جزیره = دو ترکیب اضافی: پیچاپیچ خیابان

خیابان های جزیره / روز و شب = تضاد

**قلمرو ادبی:** بر شب / بر روز، بر ماه = مجاز از همه کس

**قلمرو فکری:** لبخند زیبایی را نثار زیبایی های دنیا و این جزیره (جزیره «کاپری» تبعیدگاه پابلو نرودا)

کن (خواهان نشاط در همه جا و برای همه کس)

اما آنگاه که چشم می گشایم و می بندم، (تا زنده هستم) آنگاه که پاهایم می روند و بازمی گردند، نان

را، هوا را، روشنی را، بهار را، از من بگیر اما خنده ات را هرگز تا چشم از دنیا نبندم.

**قلمرو زبانی:** اما = حرف ربط هم پایه ساز / آنگاه = قید

**قلمرو ادبی:** می گشایم و می بندم = تضاد / می روند و بازمی گردند = تضاد / اما آنگاه که چشم می

گشایم و می بندم = کنایه از تا زمانی که زنده ام / نان = نماد رزق و روزی / هوا = نماد آزادی و زندگی /

روشنی = نماد بینش و آگاهی / بهار = نماد نشاط و سرزندگی (کل این واژه ها در مجموع، مجاز از تمام

نعمت های مادی) / چشم از دنیا بستن = کنایه از مردن

**قلمرو فکری:** تا زمانی که زنده هستم لبخندت را از من دریغ نکن (برتری لبخند و شادی که موجب حیات

پابلو نرودا

و زندگی است بر تمام پدیده های مادی)

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو زبانی

۱- برای واژه «آخته» دو معادل معنایی بنویسید.

۱- برکشیده / برافراشته      ۲- بیرون کشیده شده

۲- در زبان فارسی «ان» یکی از نشانه های جمع است؛ مانند کاربرد «ان» در «یاران»؛ اما کلماتی که با «ان» همراهند گاه بر مفهوم جمع دلالت نمی کنند.

به نمونه ها توجه کنید:

سحرگاهان (هنگام سحر)

دیلمان (مکان دیلم ها، مکان زندگی مردم دیلم)

کوهان (مانند کوه در ترکیب کوهان شتر)

کاویان (منسوب به «کاو»)

خواهان (صفت فاعلی)

مفهوم نشانه «ان» را در واژه های زیر بنویسید.

بهاران (زمان)      بابکان (نسبت)      خندان (صفت فاعلی)      خاوران (مکان)

### قلمرو ادبی

۱- این بخش از سروده «پابلو نرودا» را از نظر کاربرد «نماد» بررسی کنید.

نان را از من بگیر، اگر می خواهی، / هوا را از من بگیر، اما / خنده ات را نه. / گل سرخ را از من بگیر.

نان: نماد رزق و روزی / هوا: نماد آزادی و زندگی / خنده: نماد شادمانی

۲- در این قسمت از متن درس، شاعر از کدام آرایه های ادبی بهره گرفته است؟

اما خنده ات که رها می شود/ و پرواز کنان در آسمان مرا می جوید/ تمامی درهای زندگی را/ به رویم می گشاید.

تشخیص ، خنده ات رها شود: استعاره مکنیه / خنده ات پرواز کنان: استعاره مکنیه / خنده ات می جوید: استعاره درهای زندگی: استعاره مکنیه (اضافه استعاری) در گشودن: کنایه از پذیرا شدن

## قلمرو فکری

۱- درک و دریافت خود را از متن زیر بنویسید:

« و اگر دیدی، به ناگاه / خون من بر سنگفرش خیابان جاری است / بخند، زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته »

درک و دریافت: خنده و نشاط، باعث امیدواری برای ادامه مبارزه است و شهادت، نوید بخش آزادی و امید است و شادی و نشاط ادامه دهندگان راه شهید همانند شمشیری است که سبب پیروزی می شود.

۲- متن درس را با مفهوم سروده زیر تطبیق دهید:

وزین خوشتر نباشد در جهان پند	چه خوش فرمود آن پیر خردمند
اگر خونین دلی از جور ایام	لب خندان بیاور چون لب جام
که دستاورد بی رنجی ست شادی ،	به پیش اهل دل گنجی ست شادی
که باشد شادمانی را سزوار	به آن کس می رسد زین گنج بسیار
به هر سوز و رونی لبخند بینی	چو گل هر جا که لبخند آفرینی
به هر حالت تبسم کن، تبسم	مشو در پیچ و تاب رنج و غم، گم

مفهوم درس، انسان را در سخت ترین لحظات زندگی به شادی و نشاط و امیدواری فرا می خواند و این نشاط را بر همه چیز ارجح می داند. وطن را چون معشوق زیبایی می داند که لبخند و شادی او حیات بخش است. در این شعر نیز شاعر به مخاطب میگوید: همانطور که جام شراب، درونش خونین است (می) اما لبش خندان است، تو نیز در سختی ها بر لبانت لبخند باشد. او لبان خندان را سزوار کسی می داند که سزوار لبخند است و انسان بانشاط را همچون گلی می داند که چون لبخند آفرین است همواره لبخند می بیند